
بانوی بهشتی

نویسندگان لهستانی

مترجم

دکتر روشن وزیری



نسترمایه

تهران

۱۳۹۸

پیش‌گفتار ۷

هنریک شنکه‌ویچ ۱۵

فانوس‌بان ۱۹

کساوری پروشینسکی ۴۵

شیپورچی سمرقند ۴۹

تادئوش بوروفسکی ۶۱

خانم‌ها و آقایان، بفرمایید به اتاق گاز ۷۳

گوستاو هرلینگ گروچینسکی ۱۰۷

بانوی بهشتی ۱۱۱

دفتر یادداشت ویلیام مُل‌دینگ، میرغضب بازنشسته ۱۴۳

ویتولد زالفسکی ۱۷۳

حذر کنیم از فردای روز عید، رنج واپسین روزهای زندگی وان‌گولگ ... ۱۷۵

هنریک شنکه‌ویچ

Henryk Sienkiewicz

(۱۸۴۶-۱۹۱۶)



در سال ۱۹۰۵، وقتی هنریک شنکه‌ویچ را برنده‌ی جایزه‌ی ادبی نوبل اعلام کردند، روی نقشه‌ی اروپا کشوری به نام لهستان دیده نمی‌شد. جای آن را سه بخش اشغالی گرفته بود که از حدود صد سال پیش زیر سلطه‌ی سه قدرت اروپایی — روسیه‌ی تزاری، اتریش و پروس — اداره می‌شد. در مدارس بخش اشغالی روسیه که ورشو، پایتخت کنونی لهستان، را نیز دربر می‌گرفت، تدریس زبان روسی اجباری بود و شاگردان حق صحبت کردن به زبان مادری‌شان را نداشتند. به‌رغم این همه، زبان لهستانی به یمن وجود شاعران و نویسندگانی خوش ذوق و نشر آثار ادبی‌شان چون شکوفایی خود را تجربه می‌کرد. عصر ادبی رمانتیسم رو به پایان می‌رفت و دوران نوینی آغاز می‌شد. در ورشو، گروهی از جوانان، سرخورده و مأیوس از شکست‌های پی در پی قیام‌های استقلال طلبانه‌ی یکصد سال گذشته که جان‌های بسیاری را گرفته بود، نیز متأثر از عقاید فیلسوف فرانسوی اوگوست کنت، خود را «پوزیتیویست» نامیدند، با این اعتقاد که بی‌ترتیب جامعه صرفاً از راه کسب علم میسر خواهد شد، نه از راه انقلاب. همچنین چه‌بسا رهایی از سلطه‌ی اشغالگران و دستیابی به استقلال ملی

نیز از همین راه امکان‌پذیر شود. هنریک شنکه‌ویچ در جوانی هم‌مرام و همراه این گروه بود و در روزنامه‌ها و نشریاتشان قلم می‌زد، هرچند بعدها از صف آنان جدا شد و به راه خود رفت.

او در ورشو به مدرسه رفت و در دبیرستان تاریخ و ادبیات خواند. فعالیت ادبی‌اش را با روزنامه‌نگاری آغاز کرد؛ حرفه‌ای که در آن بسیار موفق بود. هنریک جوان از قریحه‌ای کم‌نظیر در روایت و قصه‌گویی، از استعداد سرشار مشاهده‌گری، شوق ماجراجویی و دقت در جزئیات برخوردار بود. علاقه‌اش به شکار دانش او را در زمینه‌ی جانورشناسی و گیاه‌شناسی وسعت می‌بخشید. این ویژگی‌ها به گونه‌ای ستایش‌برانگیز توأم می‌شدند با طبعی آسانگیر، خوش‌مشرّب و بهره‌مند از شامه‌ای قوی برای سبک و شیوه‌ی نگارش. سی ساله بود که او را در سال ۱۸۷۶ برای پوشش خبری نمایشگاه فیلادلفیا، به مناسبت صدمین سالگرد استقلال امریکا، به این کشور فرستادند. دو سال آتی را در سفرهایی دور و دراز در امریکا گذراند. تجربه‌ی طبیعت و زندگی در دنیای جدید شوق‌انگیز بود. گزارش‌های شنکه‌ویچ زیر عنوان «نامه‌هایی از امریکا» توجه و علاقه‌ی خوانندگان را جلب کرد و نام او را سر زبان‌ها انداخت. داستان کوتاه «فانوس‌بان»، که ماجرای آن کم و بیش بر پایه‌ی سرنوشتی واقعی نوشته شده، یکی از دستاوردهای این سفر طولانی است.

شنکه‌ویچ به آزادی هنری‌اش در مورد سبک نگارش و گزینش موضوع سخت پایبند بود. اما به طور کلی رعایت اصول و قواعد سفت و سخت را در نویسندگی بر نمی‌تابید و از حوصله‌اش بیرون بود. عقیده داشت هدف ادبیات آرامش‌بخشیدن به قلب‌ها و برآوردن نیاز و خواست خوانندگان

است، نه آنچه برخی اذهان و افکار برتر ظاهراً به‌عنوان خوراک سالم برای مغزها توصیه می‌کنند. همین بینش بود که او را به‌جانب تاریخ‌کشاند؛ موضوعی که خوانندگان لهستانی هم‌عصرش اشتیاقی وافر به آن نشان می‌دادند. داستان‌های سه‌گانه‌ی تاریخی‌اش را با آتش و شمشیر شروع کرد که به جنگ میان لهستانی‌ها و قزاق‌ها می‌پرداخت. کتاب دوم، تحت عنوان سیلاب، داستان جنگ لهستان و سوئد را در بر می‌گرفت، و کتاب سوم، آقای وُلودُفسکی، جنگ میان لهستانی‌ها و ترک‌ها را توصیف می‌کرد. مقصود او بردن خواننده به فضای تاریخی اواسط قرن هفدهم بود؛ عصر شکوه‌مند «جمهوری»، زمان قدرت و شوکت پادشاهی متحد لهستان-لیتوانی. این آثار یکی بعد از دیگری انتشار می‌یافتند و به دست تمام کسانی که سواد خواندن داشتند، می‌رسیدند. ترجمه‌های آثارش به زبان‌های گوناگون به‌سرعت با استقبال خوانندگان در کشورهای دیگر، به‌ویژه در کشورهای اسلاوی، مواجه شد. او نویسنده‌ای پرکار بود. تمام داستان‌هایش از پشتوانه‌ی تحقیق و مطالعه‌ی تاریخی برخوردار بودند. شتاب روایت در آن‌ها تند است، تعلیق و جذابیت و به‌اصطلاح هول و هراس در داستان‌ها حضوری دائمی دارد، همچنین صحنه‌های طنزآلود و مضحک. تأثیر او بر مردم لهستان بی‌نظیر بود. همین کافی است که بگوییم در دوران جنگ دوم جهانی، پارتیزان‌ها نام‌های مستعارشان را از میان قهرمانان تریلوژی شنکه‌ویچ برمی‌گزیدند.

اما شهرت او در غرب و در ادبیات جهانی بیش از همه مدیون رمان کجا می‌روی؟ است درباره‌ی روم قدیم در عصر نرون. شنکه‌ویچ این کتاب را در ۱۸۹۶ به رشته‌ی تحریر درآورد و سال‌ها در اروپا جزو